

آفرینش در وداها

علی نقی باقرشاهی*

چکیده

سرودهای ودایی علاوه بر مدح خدایان و موجودات اساطیری به مسئله آفرینش نیز پرداخته و آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. در وداها آب بعنوان عنصر اصلی و ماده‌المواد جهان معرفی شده است. همچنین در برخی از سرودهای ودایی، مسئله خلق از عدم نیز مطرح شده است. مسئله آفرینش در وداها قابل تطبیق با کتابها آسمانی دیگر است؛ مثلاً در متون اوستایی نیز آب بعنوان عنصر آسمانی و کیهانی که مایهٔ حیات است، معرفی شده است. همچنین سومریان، مصریان و یونانیان نیز آب را اولین چیزی میدانستند که خالق آن را آفرید. در برخی از سرودهای ودایی، آفرینش از طریق قربانی کردن صورت میگیرد و خدایان انجام‌دهندگان این قربانی هستند. اعضای قطعه شدهٔ خدایی که قربانی شده است، درجات آفرینش را تشکیل میدهد و با این قربانی شدن عالم هستی تحقق پیدا میکند و وحدت به کثرت تبدیل میشود. بطور کلی آفرینش در وداها از طریق نیروهای اسطوره‌یی که در تکوین عالم نقش دارند، صورت گرفته است.

۱۲۳

استادیار دانشگاه بین المللی امام خمینی؛ * abaqershahi@yahoo.com



آفرینش در وداها

سال اول، شماره دوم
پاییز ۱۳۸۹

این مقاله همچنین به مسئله یکتاپرستی در *ودها* پرداخته و با اشاره به برخی از سرودهای ودایی و نظر محققان هندی - و برخلاف نظر مستشرقان - مشخص نموده است که در *ودها* یکتاپرستی وجود داشته است و فرضیه چند خدایی در مورد آن صحت ندارد.

کلیدواژه‌ها: *ودها*، آفرینش، اساطیر، خدایان، آب، هستی، نیستی، قربانی، وحدت، کثرت، جهان

* * *

مسئله وحدت و ارتباط آن با کثرت و نحوه صدور کثرت از وحدت از مسائل مهمی است که همواره در ادیان و فلسفه‌های گوناگون مطرح بوده و نظریات مختلفی درباره آن ارائه شده است؛ مثلاً متکلمان نظریه خلق از عدم را مطرح نموده‌اند و عرفا نظریه تجلی را بیان داشته‌اند و فیلسوفان اسلامی نیز نظریه فیض را با سه روایت مشائی، اشراقی و حکمت متعالیه مطرح کرده‌اند و با الهام از تعالیم عمیق اسلامی و بهره‌مندی از آیات و روایات معصومین (ع) بحث‌های بسیار دقیق و ظریفی را مطرح کرده‌اند که اوج آن را میتوان در حکمت متعالیه ملاصدرا مشاهده کرد. ملاصدرا در آراء خود به مسئله علم و اراده حق و نحوه جمع آندو با نظریه فیض پرداخته و برخلاف نوافلاطونیان هیچ تعارضی بین فیض و اراده ندیده است، زیرا در نظر او اراده، ذاتی حق است. درباره مسئله ربط وحدت با کثرت نیز ملاصدرا با تکیه بر دو قاعده الواحد و بسیط الحقیقه بودن وجود به تحلیل وجودی این مسئله پرداخته است. این مسئله نزد ملاصدرا در محورهایی چون ربط قدیم با حادث، ثابت با متغییر، عالم با معلوم و غیره مورد بررسی قرار گرفته است.

مسئله وحدت و کثرت و صدور کثرت از وحدت در ادیان نیز همواره مورد توجه بوده است؛ بطوریکه بسیاری از ادیان و تمدنهای باستانی به این مسئله پرداخته‌اند و چگونگی آفرینش و خلق عالم را مورد بررسی قرار داده‌اند. در دین هندو و در کتاب *ودها* که قدیمیترین کتاب بشری محسوب میشود، به مسئله آفرینش پرداخته شده است و سرودهای ودایی مسئله آفرینش را مورد تحلیل قرار داده است. در این

۱۲۴



سرودها به مادهٔ اولیّه اشاره گردیده و از آب بعنوان مادهٔ المواد یاد شده است. همچنین در سرودهای ودایی همچنین به مسئله ربط وحدت به کثرت به زبان اسطوره‌یی پرداخته شده است.

قبل از پرداختن به مسئله آفرینش در *ودها* لازم است نگاهی اجمالی به سیر فلسفه در هند داشته باشیم تا جایگاه *ودها* در تاریخ فلسفه هند مشخص گردد. رادها کریشنان متفکر و نویسندهٔ شهیر هندی، تاریخ فلسفه هند را به چهار دورهٔ بزرگ تقسیم کرده است که عبارتست از:^(۱)

۱. دوره ودایی (۱۵۰۰ الی ۶۰۰ سال قبل از میلاد مسیح): این دوره مصادف با هجوم آریاییها و استقرار آنها در هند است. در این دوره، طبقهٔ برهمنان حاکم شد و فرهنگ آریایی در هند بسط پیدا کرد. *ودها*^۱ و *وپانیشادها*^۲، دو کتاب مقدس هندوان در این دوره ظاهر شدند؛ دوره‌یی که عبادت و ستایش خدایان از طریق قربانی صورت میگرفت. بطور کلی عصر *ودها*، عصر عمل بود؛ عمل بر طبق رسوم ودایی که مهمترین آنها عمل قربانی کردن بشمار میرفت و قربانی کردن نوعی عبادت و ستایش محسوب میشد. این وضعیت ادامه داشت تا اینکه در اواخر این دوره، مراسم عبادی و قربانی کردن به افراط کشیده شد و سرانجام بصورت معتقدات قشری درآمد. به این ترتیب کم‌کم واکنشی در قبال این اعتقادات خشک و سطحی ایجاد شد و زمینه برای ظهور *وپانیشادها* فراهم آمد. *وپانیشادها* بدون تردید از مهمترین آثاری است که معنویت هندو به عالم فلسفه تقدیم کرده است. بعد از ظهور *وپانیشادها* گرایشهای فلسفی و عرفانی جایگزین مراسم خشک عبادی ودایی شد و جستجوی حقایق باطنی جایگزین گرایشهای قشری و ظاهری گردید. در *وپانیشادها* با اعتقاد به وجود آتمان^۳ (حقیقت انسان) و برهمن^۴ (حقیقت عالم) و همچنین اعتقاد به اینکه آتمان و برهمن دو روی یک سکه‌اند، نوعی یکتاپرستی صرف پایه‌گذاری شد و برخی از مکاتب فلسفی هند از جمله مکتب ودانتا، از این آموزه برای بسط مکتب فکری خود الهام گرفتند. در واقع میتوان گفت که هیچ کتابی باندازهٔ *وپانیشادها* در رشد و تکوین اندیشه‌های عرفانی و فلسفی هند نقش نداشته است.

1. Vedas
2. Upanishads
3. Atman
4. Brahman



۲. دوره حماسی (۶۰۰ سال قبل از میلاد مسیح الی ۲۰۰۰ سال بعد از میلاد): این دوره مصادف با ظهور آیینهای بودائیسیم، جینیسم و مذاهب ویشنوی است. در این دوره واکنشی در برابر سلطه طبقه برهمن بر زندگی مردم صورت گرفت که در پی آن، روشهای مستقل عقلانی جدیدی در مقابل آموزه‌های وداها و/و پانیشادها به وجود آمد و سندیت آسمانی این کتابها مورد انکار قرار گرفت. مکتب مادی چارواکا^۱، کتاب مقدس بهاگوات گیتا^۲ و حماسه بزرگ مهابهاراتا^۳ نیز در این دوره ظاهر شدند.

۳. دوره سوتراها: این دوره از قرن دوم میلادی شروع شد. منظور از سوترا نوعی نگارش مطالب فلسفی بصورت ابیات و سوره‌های کوتاه و مختصر میباشد. در این دوره شش مکتب فلسفی ودانتا^۴، نیایا^۵، ویشیشکا^۶، یوگا^۷، سانکھیا^۸ و می مانسا^۹ بوجود آمدند. این شش مکتب فلسفی سندیت آسمانی وداها و/و پانیشادها را قبول داشتند و از اینرو در صدد مقابله با آیینهای بودا و جین برآمدند.

۴. دوره اسکولاستیک: این دوره آخرین دوره فلسفی هند است که تا قرن پانزدهم میلادی ادامه داشت. حکمای بزرگی مانند شانکارا^{۱۰} و رامانوجا^{۱۱} در این دوره ظاهر شدند و با الهام از/و پانیشادها مکتب فلسفی خود را بسط دادند. در میان مکاتب فلسفی هند، فقط مکتب سانکھیا بطور خاص به مسئله آفرینش پرداخته و مسئله پیدایش درجات هستی، کیفیت اصول آفرینش، ارتباط این اصول با یکدیگر و سلسله مراتبی که براساس این اصول ایجاد شده را بطور مبسوط مورد بررسی قرار داده است. بطور کلی مکتب سانکھیا ریشه کائنات و مادر خلقت را پراکرتی^{۱۲} یا ماده اولیه میدانند که بر اثر آمیزش با پوروشا^{۱۳} یا روح، همه کائنات را بوجود می‌آوردند. بر طبق

1. Charvaka
2. Bhagavad gita
3. Mahabharata
4. Vedanta
5. Nyaya
6. Vaisesika
7. Yoga
8. Sankhya
9. Mimansa
10. Shankara
11. Ramanuja
12. Prakrti
13. Purusha

این مکتب، اساساً تار و پود عالم مبتنی بر فعل و انفعالات مادهٔ اولیه و روح است؛ روح و ماده‌یی که هرگز ترکیب نمیشوند و دو جهان کاملاً متمایز هستند.

ودها

ودها از قدیمیترین کتابهای هندوان و از کهنترین آثاری است که از اقوام هند و آریایی بجای مانده است. تاریخ پیدایش ودها دقیقاً معلوم نیست. برخی از مستشرقین مانند ماکس مولر،^(۲) سالهای ۱۲۰۰ الی ۱۵۰۰ قبل از میلاد را تاریخ پیدایش ودها میدانند. هوگ^۱ آن را ۲۴۰۰ سال قبل از میلاد و بلانگا دار^۲ آن را ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد میدانند.^(۳) بعقیدهٔ محققان هندی، تاریخ پیدایش ودها نامعلوم است، ولی آنچه مسلم است، این است که وداها برای مدت مدیدی بطور شفاهی بسینه بسینه منتقل گشته و حدوداً در سدهٔ ششم قبل از میلاد به نگارش درآمده است. ودها از چهار ودا تشکیل شده است که عبارتند از: ریگ ودا^۳، یاجور ودا^۴، ساما ودا^۵ و آتھاروا ودا^۶. در میان این وداها، ریگ ودا هم از نظر قدمت و هم از نظر محتوا و عمق مطالب، نسبت به وداهای دیگر از اهمیت بیشتری برخوردار است. ودها شامل سرودهایی در مدح خدایان و موجودات گوناگون اساطیری و همچنین بیان نحوهٔ قربانی کردن برای خدایان است. بعقیدهٔ حکمای هندی، سرودهای ودایی زائیدهٔ هیچ مخلوقی نیست، بلکه از مبدأ غیر انسانی وحی شده است.

نقش آب در آفرینش

در ودها به مسئله آفرینش پرداخته شده است و آب بعنوان مایهٔ حیات، اولین چیزی محسوب شده که خالق آن را آفریده است. یعنی از دیدگاه ودها زمانی که هیچ چیز نبود، این آبهای بینشان بودند که موجب آفرینش موجودات دیگر شدند.

۱۲۷

1. Haug
2. Blgangadhar Tilak
3. Rig Veda
4. Yajur Veda
5. Sama Veda
6. Athara Veda



آفرینش در وداها

سال اولیه شماره دوم
پاییز ۱۳۸۹

در یکی از سرودهای معروف ریگ ودا که مربوط به آفرینش است، آمده است:

در آن هنگام نه نیستی بود و نه هستی
هوا و آسمانی که بر فراز آن است نبود
این چه را میپوشاند و چه را دارا بود؟
در کجا و تحت حمایت که؟ آیا فقط آب بود؟
آبهای ژرف و نفوذ ناپذیر؟
در آن هنگام، مرگ و جاودانی هم نبود
نشانی از شب و روز هم نبود...
در ازل تاریکی را تاریکی مستور ساخته بود
و همه این، آب بود و بینشان (تشخیص ناپذیر)
آن موجودی که پدید می‌آمد، از خلأ پوشانده شده بود
آن (موجود) یگانه به برکت نیروی حرارت به حرکت در آمد و میل (آفرینش) در آن
«تاریکی» بوجود آمد
و این (میل) نخستین هستهٔ عقل بود
دانا بان بکمک عقل بجستجوی آن حقیقت در قلب خود گماشتند و دانستند که بند
هستی در نیستی است.^(۴)

کیت^۱، هند شناس معروف انگلیسی معتقد است که در این سرود ریگ ودا، مقدمات یک تثلیث وجود دارد که عبارتست از:

۱. مفهوم خالق که پدید آورنده و هستی بخش آبهای بدو خلقت است.
۲. آبها که بمنزلهٔ مادهٔ اولیه و بطن صور عالمنند.
۳. مفهوم خدایی که روحش بر سطح آبها ظاهر میشود و به تکوین سایر سلسله مراتب هستی میپردازد.

بطور کلی میتوان گفت که این سه اصل بدین قرارند:

۱. اصل فاعل که محرک نخستین است.
۲. مادهٔ اولیه و ابتدایی جهان یعنی آبها.
۳. نخستین موجود آفرینش.

1. Keith

بر اساس نظر این محقق، نطفه سه اصل بزرگ مکتب سانکهیا؛ یعنی اصل فاعل یا پوروشا، اصل منفعل یا پراکرتی و اولین موجودی که از امتزاج این دو پدید می‌آید، یعنی عقل کل^۱ را میتوان در همین سرود آفرینش و تکوین ریگ ودا باز شناخت.^(۵)

در جای دیگر وداها آمده است:

این جهان در تاریکی فرو رفته بود. قابل درک نبود و صفاتی نداشت که آن را مشخص سازد. مثل آن بود که همه در خواب باشند. ابتدا موجود اعلا آب را پدید آورد و در آن جرثومه قرار داد. این جرثومه بصورت تخم زرین و درخشانی بود که همچون ستاره از آن هزاران شعاع برخاست. آبی که پدیدار شد، نارا بود. از اینرو ناراین (برهما) خوانده شد؛ یعنی تحرک در آب. پس از آنکه برهما در تخم زرین یکسال برهمایی ماند، با نیروی فکر خود آن بیضه را به دو نیم ساخت و از آن دو قسمت زمین و آسمان پیدا شد و در میان آن دو فضا مخازن آب و اقیانوسها و دریاها پدید آمدند.^(۶)

همچنین در سرودهای (X. ۸۲/۵-۶) ریگ ودا آمده است: آبهای دریا در برگرنده اولین گوهر هستی است. این گوهر هستی مانند بذری است که بر روی آبهای بیشکل (خائوس) شناور است و از آن اولین مولود عالم یا عقل بوجود می‌آید. میل خودآگاهی و کلمه از صفات عقل است... در سرود ناسادیا^۲ طبیعت و روح دو جنبه از یک حقیقت مطلق محسوب شده‌اند؛ حقیقتی که نه خود است و نه غیر و نه خودآگاهی، بلکه فراتر از آنهاست. سرودهای فوق به مسئله آفرینش و پیدایش هستی پرداخته و عنصر آب را بعنوان ماده‌المواد جهان معرفی نموده‌اند. در اندیشه اسطوره‌ی هندوان عناصری مانند: آب، هوا، خاک و آتش بعنوان عناصر اولیه جهان دانسته شده‌اند، ولی آنها آب را ماده‌المواد میدانستند و معتقد بودند که آب با نیروی زمان^۳، میل^۴، عقل^۵ و حرارت^۶ به جهان تبدیل شد.^(۷) آنها گاهی آب را ناشی از شب خائوس یا هوا میدانستند.

1. Mahat buddha
2. Nasadiya
3. Samvatsara
4. Kama
5. Purusa
6. Tapas



در متون اوستایی نیز آب بعنوان یک عنصر مینوی و کیهانی که مایهٔ حیات است، مورد ستایش قرار گرفته است. زرتشتیان آن را آفریدهٔ اهورامزدا میدانستند و معتقد بودند که عنصر اهورایی آب توسط الهه‌یی توانا بنام آناهیتا هدایت میشود، از اینرو برای خشنودی ایزد بانو نماز برپا میکردند و قربانی و نذر میدادند و او را نابود کنندهٔ ناپاکیها میدانستند.^(۸)

همچنین سومریان بر این عقیده بودند که بر سر آفرینش عالم، جدالی بین خدایان نیکخواه و خدای کور، مالک جهان اسفل که آبهای نخستین را تحت نظارت داشت، اتفاق افتاد. به این ترتیب که کور بر ضد ارشکیگال، الههٔ آسمان، خطایی مرتکب شد. ارشکیگال مورد حمایت انکی قرار گرفت و قایقی را برای حمله به کور به آب انداخت. کور که خدای شرارت بود و آب را در حبس خود داشت، آبهای نخستین را رها کرد تا قایق انکی را غرق نماید، اما این حیلۀ او به ثمر نرسید و انکی خدای همهٔ آبهای خوب گشت.

بابلیان نیز که بسیاری از اساطیر سومری را اقتباس کردند، طی جشنهای سال نو خود، اشعار حماسی مربوط به پیروزی مردوک بر تیامات، خدای گردابها را با آواز خوش میخواندند. داستان این حماسهٔ بابلی چنین آغاز میشود: «زمانی آسمان نامی نداشت و زمین نیز هنوز بینام بود و همچنین آسو که هر دو را به وجود آورد و تیامات مادر آن دو... آنها در آشفتگی بودند.» در واقع وجود یک دریای اولیه در اساطیر اقوام ساکن در آسیای غربی پذیرفته شده بود. در این اساطیر «زمین (سر برون آورده از آب) تهی و بایر بود و تاریکی بر روی لجه بود و روح خدا سطح آنها را فرا گرفت» (سفر پیدایش، ۱: ۲).^(۹) متون کهن مصری بدست آمده از اهرام، خالق را چنین توصیف میکنند که از طوفان نخستین و آبهای طوفانی همچون ماری چند سر برآمد.^(۱۰)

بطور کلی میتوان گفت در تمام تمدنهای و ادیان، آب رمز کائنات و سرچشمه همهٔ امکانات هستی میباشد. ملاصدرا دربارهٔ دیدگاه تالس ملطی مبنی بر اینکه اصل موجودات آب است، میگوید: «مراد او از آب همان وجود انبساطی باشد که در اصطلاحات صوفیه از آن تعبیر به نفس رحمانی میشود و با قول خداوند در قرآن کریم «... و کان عرشه علی الماء...» (هود/ ۷) تناسب دارد.»^(۱۱)

میرچاد الیاده در کتاب رساله در تاریخ/ادیان به رمزپردازیهای آب پرداخته و نقش آن را در آفرینش مورد تحلیل قرار داده است. او معتقد است که آب در آفرینش

کیهان، اساطیر، آیینها و شمایل نگاریها، جدا از ساختار کلیتهای فرهنگی مربوط به آن، همواره یک نقش دارد و آن اینکه مقدم بر هر شکل و صورت و محل و تکیه‌گاه هر آفرینشی است. غوطه‌زدن در آب، رمز رجعت به حالت پیش از شکل‌پذیری و تجدید حیات کامل و زایشی نو است، زیرا هر غوطه‌وری، برابر با انحلال و اضمحلال صورت و استقرار مجدد حالت نامتعین مقدم بر وجود است و خروج از آب، تکرار عمل تجلی صورت در آفرینش کیهان است. در واقع پیوند با آب، همواره متضمن تجدید حیات است، زیرا از سویی، در پی هر انحلالی در آب «ولادتی نو» هست و از سوی دیگر، غوطه خوردن، امکانات بالقوه زندگی و آفرینش را مایه‌ور میکند و افزایش میدهد. آب، از طریق آیین رازآموزی موروث «ولادتی نو» است و بمدد آیینهای جادویی، درمانبخش و به برکت آیینهای مربوط به مردگان، موجب رستاخیز پس از مرگ است. آب با دربرگرفتن همه امکانات بالقوه، رمز زندگی («آب حیات») است و لبریز از تخم و جرثومه، زمین و جانوران و زنان را بارور میکند. آب بعنوان مخزن هر امکان بالقوه و ماده سیال علی‌الاطلاق و محل صیروت کیهان، با ماه قیاس شده یا مستقیماً همانند گشته است. زیرا ضرباهنگهای ماده و آب، با هم میخوانند و سرنوشتی واحد دارند؛ بر پیدایی و نابودی متناوب همه اشکال حاکمند و به کون و صیروت جهانی، ساختاری ادواری میبخشند.^(۱۲)

آفرینش عالم در *ودها* گاهی از طریق قربانی صورت میگیرد؛ یعنی خدایان از طریق قربانی اقدام به آفرینش عالم مینمایند. زیرا همانطور که قبلاً ذکر شد، قربانی کردن در دوره *ودها* یک امر مقدس بود و نیایش و عبادت از طریق آن صورت میگرفت. در یکی از سرودهای ریگ ودا بنام پوروشاسوکتا^۱ خدایان انجام دهندگان این قربانی هستند؛ یعنی آفرینش نوعی قربانی تلقی میشود و پوروشا قربانی میشود تا آفرینش صورت بگیرد و اعضای قطعه شده او درجات آفرینش تشکیل میدهند. سروده موسوم به سوکتا در ریگ ودا بشرح زیر میباشد:

این پوروشا هزار سر دارد، هزار چشم و هزار پا دارد. او پس از احاطه کردن این زمین باز باندازه ده انگشت فراختر و بزرگتر است. پوروشا جمله چیزهایی است که پدید آمده و پدید خواهد آمد. اینچنین است بزرگی او و این پوروشا

1. Prusha Sukta



آفرینش در *ودها*

از این هم بزرگتر است. یک پای او (یک چهارم او) این موجوداتند و سه پای او (سه چهارم او) ابدیت آسمانها. هنگامی که خدایان این پوروشا را به قربانی فرستادند، فصل بهار روغن یک قربانی بود، تابستان سوخت این قربانی و پاییز خود این قربانی بود. هنگامی که اعضای پوروشا را جدا کردند، آن را به چند قسمت تقسیم کردند؟ دهان او چه شد؟ بازوان، رانها و پاهای او را چه نام نهادند؟ دهان او طبقه برهمن شد. بازوان او سلحشوران شد و رانهای او ویشیا شد و از دو پای او طبقه شودراها پدید آمد. ماه از اندیشه (عقل) او بوجود آمد، از چشمان او خورشید پیدا شد، و از دهان او ایندرا و آگنی هستی یافتند، و از دم او وایو بوجود آمد.^(۱۳)

در این سروده اعضای پوروشا از طریق قربانی کردن از هم جدا شدند تا عالم هستی تحقق پیدا کند و وحدت به کثرت تبدیل شود. وظیفه انسان نیز اینست که اعضای پراکنده پوروشا را جمع کند و کثرت را به وحدت باز گرداند. مفهوم دیگر بازسازی پوروشا، احیای عالم و بازگردانیدن چرخه حیات به نقطه اول حرکت و گردش آن است، بهمین دلیل مراد از انجام دادن قربانیهای پیوسته در اوقات خاص این بوده است که اعضای پراکنده پوروشا بازگردانده شود.^(۱۴)

طبق نظر رادا کریشنان در سرودهای ودایی سخنی از غیر واقعی بودن جهان بمیان نیامده است؛ یعنی جهان هرگز بصورت وهم و خیال پنداشته نشده است، بلکه بصورت یک امر واقعی مطرح گشته است. در یکی از سرودهای ودها آمده است که ایندرا بواسطه قدرتش (مایا)^۱ به شکلهای مختلفی ظاهر میشود؛ البته گاهی هم مایا و مشتقات آن به صورت اراده دمونها بکار رفته است. ازاینرو، خطاست که تصور شود طبق سرودهای ودها در آغاز نیستی بوده و هستی از نیستی ناشی شده است. زیرا ودها حقیقت واحدی را پذیرفته‌اند که ورای همه تضادها بوده است. نیستی فقط بمعنی این است که آنچه اکنون موجود است، زمانی وجود نداشته است؛ اگرچه در یکی از سرودهای ودایی آمده است که موجود از ناموجود ناشی شده است،^(۱۵) اما منظور این نیست که وجود از عدم ناشی شده است، بلکه به این معنی است که وجود مشخصی از یک وجود نامشخصی بوجود آمده است.^(۱۶)

1. Maya

یکتاپرستی در ود/ها

در ود/ها به خدایان متعددی اشاره شده است که مفسران هندی و مستشرقان اروپایی نظرات مختلفی در این باره ارائه داده‌اند. برخی از مستشرقان، خدایان ودایی را طبقه‌بندی کرده‌اند و بر این اساس آنها را مورد تفسیر قرار داده‌اند. خود هندیها خدایان ودایی را به سه گره تقسیم کرده‌اند که عبارتند از: خدایان زمینی، خدایان برزخی، و خدایان آسمانی. آنها بین این خدایان و طبقات اجتماعی و دینی خود ارتباط قائل بودند^(۱۷) و معتقد بودند که بین خدای آتش (آگنی) با طبقه کاهنان و خدای برزخی (ایندرا) با طبقه سلحشوران و خدای ویشوادوا با مردم عادی تناظر و ارتباط وجود دارد. دومزیل^۱ محقق فرانسوی نیز معتقد است که مراتب سه گانه خدایان ودایی براساس نظام جهانی و اجتماعی نهاده بنیان شده است و هر دسته از خدایان موظف به وظیفه‌ی هستند که این وظیفه با یکی از مراتب عالم انطباق دارد. این نظام سه‌گانه خدایان با نظام طبقاتی و اجتماعی هندیها هماهنگی کاملی دارد. ماکس مولر^۲ معتقد است که در ود/ها فقط مسئله پرستش خدایان مطرح نیست، زیرا هر یک از خدایان بنوبه خود به مقام ممتازی میرسند؛ بطوریکه حتی خدایانی که در مراتب پایین جای دارند، به درجه ممتاز دست می‌یابند و در رأس خدایان قرار می‌گیرند. مولر این وضع را «هنوتیسم»^۳ مینامد.

محققان هندی نظر مستشرقان غربی درباره خدایان ودایی و فرضیه چند خدایی در ود/ها را رد میکنند. برای مثال کوماراسوامی^۴ میگوید: «پنداشتن اینکه کیش هندو، آیین چند خدایی صرف است بسان چند خدایی یونانیان و رومیان، خود ساده اندیشی محضی است که فقط در خور آن دانشجوی غربی است که وارث پاگانیسم^۵ رومیان و یونانیان بوده است»^(۱۸). همچنین محققان هندی معتقدند خدایانی که در ود/ها مطرح شده است، تجلی صفات مختلف خدای یگانه است؛ چنانکه سرودهای ۸۱، ۸۲، ۸۹، ۹۰ بوجود خدای یکتا اشاره دارند. در یکی از سرودهای ود/ها آمده است: ذات حقیقی خدایان واحد

1. Dumezil
2. Max Muller
3. Henotheism
4. Comaraswamy
5. Paganism

است.^(۱۹) او همراه آفرینش است و در عین حال فراتر از آن است.^(۲۰) ویشوا کارما که بیننده همه چیز است، زمین را پدید آورد و با قدرت عظیم خود آسمانها را آشکار کرد.^(۲۱) او پدری است که ما را به وجود آورد و اوست همچون پروردگار و مدیر عالم که به تمام اقوام و موجودات زنده علم دارد.^(۲۲) در اینجا شایسته است که به سخن حکیمانه اوروبیندو،^(۲۳) حکیم شهیر هندی، درباره خدایان اساطیری در *ودها* اشاره کنیم:

فرضیه‌یی که من پیشنهاد میکنم، این است که ریگ *ودا* بخودی خود مهمترین مدرکی است که از دوران باستان اندیشه انسانی به ما رسیده است و آیین «ارفه» و «اسرار الوزیس» بازماندگان منحن آن بشمار می‌آیند. در آن هنگام علوم معنوی این قوم به عللی که امروزه تعیین آن دشوار است، زیر پرده صور مادی اصنام و رموزی که معنی «ودا» را از عوام کتمان میکرده و به خواص آشکار میساخته است، پنهان شده بود. یکی از اساسیترین اصول عرفا این بوده است که آیین خویششناسی را مقدس بشمارند و راز آن را در خود نگاه دارند و علم واقعی خدایان را تحصیل کنند. چه آنها میپنداشتند که این معرفت نه فقط متناسب با افکار عوام نیست، بلکه خطراتی نیز دربردارد. زیرا بیم آن میرفت که در صورت ابراز آن به افراد معمولی و ناپاک، این معرفت تغییر کند و استفاده سوئی از آن بعمل آید و یا کیفیت فطری خود را از دست بدهد. پس آنها هم مقدمات یک عبادت ظاهری و ناکاملی را که برای عوام مؤثر می‌افتاد، فراهم ساختند و هم روشی معنوی جهت خواص منظور داشتند. بدین ترتیب سرودهای خود را به لباس الفاظ و استعاراتی بدیع آراستند که هم برای برگزیدگان مفهوم داشت و هم مردم عادی از معانی آن بهره میبردند. سرودهای *ودایی* بر مبنای این اصل بنیان شده است.^(۲۴)

رادکریشن معتمد است که وقتی ما به یک نگاه توحیدی میرسیم؛ یعنی به اینکه ذات حقیقی خدایان واحد است، این نگاهی است که در *ودها* نیز مورد توجه بوده است. در اینجا سؤالی مطرح میشود و آن اینکه آیا این خدای واحد عالم را از عدم خلق کرده است یا از ماده قبلی. او خود معتقد است که در *ودها* به هر دو اینها اشاره شده است. در برخی از سرودهای *ودایی* از آب بعنوان ماده اولیه یاد شده است و مایه رشد و نمو و بالندگی و سرچشمه زندگی در همه مراتب هستی دانسته شده است. مضمون آبهای اولیه در سرود آفرینش *ودها* بمعنی ماده اولیه آفرینش محسوب میشود که بعدها

بصورت‌های مختلفی از جمله حلول ویشنو در آبهای اولیه در میان هندوان رواج پیدا کرد. اینکه خالق این آبهای اولیه کیست در *وداها* آمده است که خالق این آبها خدای واحدی است که با اراده خود آنها را خلق کرد؛ یعنی او بذری در میان آنها نهاد و سپس نطفه زرینی بوجود آمد و او خود بصورت برهما و خدای خالق ظاهر شد.^(۲۵) در اسطوره قربانی پوروشا نیز ربط وحدت به کثرت بزبان اسطوره‌ی مطرح شده است و در سرود X.67 نیز آمده است که موجود از عدم بوجود آمد.

پی‌نوشتها:

1. Radhakrishnan, *Indian Philosophy*, Blackie & Son Publishers PVT.LTD., New Delhi, 1983, p. 56.
۲. ماکس مولر (Max Muller) مستشرق آلمانی، تحصیلات خود را در زبان سانسکریت زیر نظر بروکهاوس گذراند. مولر دارای نظریات خاصی در علم الاساطیر تطبیقی است. وی قسمتی از کتاب *اوپانیشادها* را بزبان انگلیسی ترجمه نمود. او همچنین کتاب *تاریخ ادبیات قدیم سانسکریت و دستور زبان سانسکریت* را نوشت. بطور کلی مجموعه آثار او به ۲۵ جلد میرسد.
3. Surendranata Dasgupta, *A History of Indian Philosophy*, vol.1, New Delhi, Motilal Banaris Das, 1997, p. 10.
۴. شایگان، داریوش، *ادیان و مکتبهای فلسفی هند*، ج ۱، ص ۸۰ و ۸۱.
۵. همان، ج ۱، ص ۸۱.
۶. همان، ص ۸۲. ریگ ودا ۱۳۷۲، سرود ۸۹.
7. *Rig Veda*, X.190.
۸. اسماعیلی، صغری، «اسطوره آب در ریگ ودا و اوستا»، *فصلنامه تاریخی*، ضمیمه مجلد دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، ش ۷ و ۸، بهار و تابستان ۱۳۸۴، ص ۱-۱۸.
۹. قریشی، امان‌الله، *آب و کوه در اساطیر هند و ایرانی*، انتشارات هرمس، ۱۳۸۰، ص ۴۸.
۱۰. همان، ص ۴۹.
۱۱. ملاصدرا، *اسفار*، ج ۵، ص ۲۰۸.
۱۲. الیاده، میرچاده، *رساله در تاریخ ادیان*، ص ۱۸۹.
۱۳. *ادیان و مکتبهای فلسفی هند*، ص ۸۰.
۱۴. همان، ص ۸۲ و ۸۳.
15. *Rig Veda*, X.72.
16. Radhakrishnan, *op.cit.*, p. 104.
۱۷. *ادیان و مکتبهای فلسفی هند*، ص ۸۵.
۱۸. همان، ص ۵۰.
19. *Rig Veda*, III, 72.
20. *Ibid*, X. 90.

20. *Ibid*, X. 90.

21. *Ibid*, X. 81.

22. *Ibid*, X. 82.

۲۳. اوروبیندو گوش (Aurobindo Ghosh) (۱۸۷۲-۱۹۵۰ م) در کلکته بدنیا آمد و نویسنده کتابهای متعددی درباره فرهنگ هند است. او مدت چهارده سال در انگلستان بوده و از فعالان سیاسی بشمار می‌آید. وی حتی بمدت یک سال نیز به جرم فعالیت بر علیه انگلیسیها در زندان بسر برد.

۲۴. *ادیان و مکتبهای فلسفی هند*، ص ۳۵.

25. Radhakrishnan, *op.cit.*, p.100.

منابع فارسی:

۵. شایگان، داریوش، *ادیان و مکتبهای فلسفی هند*، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۶. قریشی، امان‌الله، *آب و کوه در اساطیر هند و ایرانی*، انتشارات هرمس، تهران.
۷. *فصلنامه مطالعات تاریخی*، ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، ش ۷ و ۸.
۸. الیاده، میرچاد، *رساله در تاریخ ادیان*، ترجمه جلال ستاری، انتشارات سروش، ۱۳۸۵.
۹. ملاصدرا، *الاسفار الاربعه*، ج ۵، انتشارات مصطفوی، ۱۳۷۹.

منابع انگلیسی:

1. Radhakrishnan, *Indian Philosophy*, Blackie & Son Publishers PVT.LTD.
2. Surendranata Dasgupta, *A History of Indian Philosophy*, Motilal Banarasidass Publishers, Privata Limited, New Delhi.
3. Chandradhar Sharma, *A Critical Survey of Indian Philosophy*, Motilal Banarasidass Publishers, New Delhi.
4. Debiprasad Chattopadhyaya, *Indian Philosophy*, A Popular Intoduction, People's Publishing House, New Delhi.

